

سقیفه و عوامل پیدایش آن

زهرا ساکی

چکیده:

جانشینی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از قرن ها پیش مورد بحث و گفتگو میان مسلمانان بوده است و در این میان شیعیان دلایل محکمی برای اثبات حقانیت حضرت علی (علیه السلام) و جانشینی او ارائه کرده اند، از جمله حضور شیعیان و صحابه درروز غدیرخم یکی از دلایل موجهی است که حقانیت حضرت علی (علیه السلام) را برای خلافت مسلمین اثبات می کند و همه ی آنان در روز غدیر خم شنیدند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) علی (علیه السلام) را به عنوان جانشین خویش بعد از وفاتش تعیین کرد اما چرا در روز سقیفه زمانی که ابوبکر و عمر خلافت را از حضرت علی (ع) سلب کردند یکی از هزارتان صحابه نیامدند و بخاطر غضب نشدن حق علی (علیه السلام) اعتراض نکردند. در این مقاله سعی شده با استفاده از روش کتابخانه ای و توصیفی و با استناد به منابع تاریخی و حدیثی و سیاسی به بررسی سقیفه و عوامل پیدایش آن از جمله: وجود منافقین در مدینه، وجود یهودیان، دشمنی قریش، و حسادت و... بپردازیم.

علت انتخاب این موضوع بخاطر شکل گیری سوالات و ابهاماتی است که در ذهن نویسنده بوجود آمده است.

کلید واژه: سقیفه، عوامل سقیفه، خلافت ابوبکر

مقدمه

پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) گروهی از صحابه در محلی به نام سقیفه گردهم آمدند تا بر سر جانشینی پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) گفت و گو کنند، ابوبکر و عمر از این فرصت استفاده کردند و با جمع کردن اعتماد صحابه و بقیه ی مسلمانان خود را به عنوان جانشین پیامبر منصوب کردند. در حالی که حضرت علی (علیه السلام)

و خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) در صدد کفن و دفن جنازه پیامبر بودند و هیچ یک از خاندان پیامبر از این موضوع اطلاعی نداشتند.

بحث در مورد این موضوع به خاطر سوالات و ابهاماتی است که در ذهن مخاطب شکل گرفته است که اینکه سقیفه چیست؟ عوامل پیدایش سقیفه کدامند؟ و چرا سقیفه شکل گرفت؟

با استفاده از منابع معتبری همچون کتابهای سقیفه و عوامل پیدایش آن نوشته محمدعلی حیدری، (سال چاپ ۱۳۹۱)، سقیفه زمینه ها و معیارها و پیامدها نوشته آیت ا...و العظمی جعفر سبحانی، (سال چاپ ۱۳۹۲)، تاریخ تشیع ۱، نوشته گروهی از مولفان زیر نظر دکتر سید احمد رضا جعفری، (سال چاپ ۱۳۵۸) و تاریخ تشیع نوشته گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، (سال چاپ ۱۳۸۹)، بررسی تطبیقی تاریخی شیعی و سنی درباره ی تأمل حضرت علی (علیه السلام) با خلفا نوشته سیدحسین نقوی، (سال چاپ ۱۳۹۳)، تاریخ شیعه و فرقه های اسلام تا قرن چهارم (سال چاپ ۱۳۶۸)، نوشته محمد جواد مشکور، علی از زبان علی یا امیر مومنان (علیه السلام)، (سال چاپ ۱۳۹۲) از دکتر سید جعفری شهیدی، آهی سوزان از امیر مومنان (علیه السلام) (سال چاپ ۱۳۸۹)، نوشته علی اصغر رضوانی، دانشنامه امیر المومنین (علیه السلام) (سال چاپ ۱۳۸۷)، نوشته محمد محمدی ری شهری و ماجرای بیعت (سال چاپ ۱۳۸۹) از سید علیرضا حسینی و تاریخ در تشیع (سال چاپ ۱۳۶۱) نوشته احمد رضا خضری و تاریخ سیره سیاسی امیر مومنان علی ابن ابی طالب (علیه السلام)، (سال چاپ ۱۳۹۱) نوشته رسول جعفریان و عصر شیعه، (سال چاپ ۱۳۹۲) به نویسندگی علی کروانی عاملی و چندین منابع معتبر دیگر در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است. که در این منابع به بسیاری از عوامل شکل گیری سقیفه اشاره شده است و هر کدام از این منابع به صورت خیلی جزئی به این عوامل پرداخته اند، ولی در این مقاله سعی شده است به تمام عوامل شکل گیری سقیفه به صورت کلی و جزئی اشاره شود و تمام ابعاد آن مورد بررسی قرار گرفته شده است

۱- رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آلی و سلم)

رسول خدا از دنیا رفت و از هرکسی بیشتر، حضرت زهرا (سلام الله علیها) متأثر و گریان بود زیرا رسول خدا محبوبترین شخص برای حضرت زهرا (سلام الله علیها) بود. فریاد زهرا بلند شد:

"یا ابنه من ربه ما ادنا، یا ابتاه الی الجبریل... یا ابتاه جنۃ الفردوس مأواه"^۱

۱. سقیفه و عوامل پیدایش آن، نویسنده «محمدعلی حیدری، قم، سنابل، ص ۱۳۹۷، ۹۸

عباس عموی پیامبر که نقش های پنهان برای نابود کردن علی (علیه السلام) به خوبی آگاه بود و میدانست این نقشه ها هم اکنون عملی خواهد شد، رو به علی (علیه السلام) کرد و گفت دستت را بده تا با تو بیعت کنم، یا علی برخیز تا من و تمامی آنان که در اینجا هستند تا دیر نشده با تو بیعت کنیم زیرا کار فعلا دست ماست و اگر بیعت تمام شود دیگر کسی هوس نخواهد کرد.

علی (علیه السلام) به عموی خود عباس فرمودند: مگر کسی در این امر طمعی دارد و می خواهد که رهبری را به دست بگیرد؟

عباس گفت: گمان می کنم عده ای چنین چیزی را در خیال دارند. پس از آنکه با ابوبکر بیعت شد صدای تکبیر از مسجد بلند شد، علی (علیه السلام) سوال کرد این چه صدایی است؟

عباس در جواب گفت: این همان چیزی است که من ترا به آن دعوت کردم و تو نپذیرفتی. علی (علیه السلام) فرمود: مگر چنین چیزی می شود؟

-هرگز چنین چیزی را کسی رد نکرده بود.^۱

زمانیکه پیشنهاد عباس را به علی (علیه السلام) عمر شنید بلافاصله به ابوبکر گفت که برخیز برویم و آن دوجنازه رسول خدا (صلی الله و آله و سلم) را تنها در دست علی و عباس و زبیر قرار داده و برای گرفتن بیعت از خانه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) خارج شدند.^۲

این کلمات را مرتباً عمر بن خطاب تکرار میکرد، بطوریکه دهان کف کرده بود، و احدی را نمیگذاشت که اظهار کند رسول خدا از دنیا رفته، و از گفتن چنین مرضی مردم را مانع میشد.

تا ابوبکر از راه رسید ابوبکر به عمر اشاره کرد که ساکت باش.

عمر به ابوبکر گفت: آری (یعنی رسول خدا از دنیا رفته است).^۳

عمر گفت: گویا تا آن زمان این سخن را نشنیده بودم، حالا فهمیدم که پیامبر از دنیا رفته است.

^۱. سقیفه و عوامل پیدایش آن، محمدعلی حیدری، ص ۹۹

^۲. همان

^۳. سقیفه و عوامل پیدایش آن، محمدعلی حیدری، ص ۱۰۱

بلافاصله بعد از کلام ابوبکر عمر فوراً گفت: مردم این ابوبکر و ریش سفید مسلمان هاست با او بیعت کنید. بلافاصله عمر به مردم گفت: که سراغ عمومی پیامبر رفته و در غسل پیامبر شرکت کنید و سپس بدون کوچکترین درنگی برای گرفتن بیعت هر دو یعنی عمر و ابوبکر به سوی سقیفه ی بنی ساعده رفتند.^۱

۲- سقیفه

" سقیفه " به معنای صفه و سایبان است. "زمخشری" می گوید " سقیفه یعنی سایبان و صفه پوشیده و چیزی که با آن بتوان سقف خانه را ساخت.^۲

۲،۱ سقیفه بنی ساعده

" سقیفه بنی ساعده " سایبانی بود که آنجا محل اجتماع و مشورت انصار و مردم مدینه از جمله اوس و خزرج بود.^۳ مقارن رحلت رسول خدا هنگامی که علی (علیه السلام) و ابن عباس مشغول غسل دادن جسد پیغمبر بودند ،انصار یا مسلمانان مدینه در زیر سقفی که آنرا سقیفه ی بنی ساعده می گفتند گرد آمده امارت سعد بن عبادہ رئیس قبیله خزرج داشت که به نزد مهاجران آمده و ایشان را از دعای سعد بن عبادہ خزرجی آگاه کرد ابوبکر و عمر با ابوعبیده بن الجراح و گروهی از مهاجران به سقیفه رفتند، دیدند که سعد بن عبادہ با حال بیماری نشسته و سخن گویی از طرف او فضایل وی و قبیله اش را برای مردم شرح می دهد، ولی میگوید همین انصار بودند که رسول خدا (صلی الله و علیه و آله) را در شهر خود پناه دادند، حال آنکه خویشاوندان او که قریش باشند بردشمنی او برخاستند و وی را ترک کردند. از این جهت فرمانروایی اسلام باید در دست انصار باشد. سپس ابوبکر برخاست و شرحی در فضایل مهاجران بیان کرد و گفت:همین مهاجران بودند که پیش از شما به دین اسلام در آمدند و دعوت پیغمبر را پذیرفتند و جان خود را بر کف نهاده از مکه به مدینه مهاجرت کردند. چون سخن به اینجا رسید انصار گفتند حالا که چنین است یکی از امیر و فرمانروا از ما و یک امیر و فرمانروا از جانب شما باشد که هر یک در شهر خود، مکه و مدینه بر فرمانروایی بپردازد.

^۱ همان، ص ۱۰۲

^۲ - بررسی تطبیقی منابع تاریخی شیعی و سنی درباره تعامل حضرت علی (علیه السلام) با خلفا، سید ابرار حسین نقوی، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی ۱۳۹۳. ص ۵۵

^۳ - همان و همچنین در کتاب دایره المعارف تشیع. جمعی از ویراستاران تهران. حکمت. چاپ دوم ۱۳۹۱. ج ۹ ص ۲۰۳ به این موضوع اشاره شده است.

بیشترین سعد که از بزرگان خزرج و از خویشان سعد بن عباد بود به محض اینکه دید انصار به بیعت با سعد بن عباد هم داستان گشته اند از جهت رشکی که بر پسر خود سعدبن عبهه داشت برخاست و با فرمانروایی سعدبن عباد مخالفت کرده و گفت که مهاجران را بر انصار از نظر سابقه حق تقدم در اسلام است، و رسول خدا(صلی الله علیه و آله) از قریش بود و قوم وی به جانشینی او سزاوارتر از ما می باشند.

در این هنگام ابوبکر برای فرونشاندن اختلاف برخاست و شرحی درباره وجوب وحدت اسلام و یگانگی و اتحاد مسلمان بیان کرد و این حدیث را از پیغمبر روایت نمود که فرمود: "الائمه من قریش" یا "الخلیفه من قریش" یعنی امامان و جانشینان رسول خدا باید از قریش باشند.

بر اثر حسن عقیدتی که مهاجر و انصار به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) داشتند بدون آنکه در صحت و سقم این حدیث تحقیق کرده باشند آنرا پذیرفتند. در این هنگام ابوبکر پیشنهاد کرد که مسلمانان به ابوعبیده بن الجراح یا عمر بن خطاب بیعت کنند و یکی از آن دو را به جانشینی پیغمبر برگزینند. هر دوی ایشان از پذیرفتن این امر امتناع کرده گفتند تو بر ما برتری داری زیرا قدیمی ترین مهاجران در اسلام یار غار پیغمبر هستی و در هنگام بیماری رسول خدا(صلی الله علیه و آله) به جای او نماز گزاردی از این رو خلافت تو را سزد. در حال آن دو به سوی ابوبکر رفته و با بیشترین سعد که از بزرگان انصار بود با وی بیعت کردند.

ابوبکر به مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفت و مسلمانان دسته دسته از مهاجر و انصار به سوی او می شتافتند و بیعت می کردند، اما سعدبن عباد به بیعت ابوبکر در نیامد.^۱

در تاریخ یعقوبی آمده است: (پس از آنکه مردم در سقیفه با ابوبکر بیعت نمودند، براء بن عازب هراسان در خانه بنی هاشم را کوید و فریاد زد: همان ای گروه بنی هاشم! مردم با ابوبکر بیعت نمودند، بنی هاشم با یکدیگر به هم نظر افکندند و می گفتند: مسلمانان با نبودن ما که نزدیکترین محمد صلی الله علیه و آله هستیم کاری انجام نمی دادند؟! عباس گفت: "فصلوها و رب الکعبه" و به خدای کعبه سوگند کردند آن کار رو انجام دادند.

^۱. تاریخ شیعه و فرقه های اسلام تا قرن چهارم، محمدجواد مشکور، تهران. اشراقی. ۱۳۶۸. ص ۷۸ همچنین در کتابهایی مانند تاریخ شیعه، جمعی از مولفان، تهران سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ۱۳۸۵. ص ۸-۷۵ و کتاب علی از زبان علی یا امیر المومنین علی (علیه السلام)، جعفر شهیدی. تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۹۲. ص ۳۲-۲۳ به این موضوع اشاره شده است.

بنابر منابع تاریخی، در این زمان عمر به همراه گروهی از افراد مسلح به در خانه فاطمه آمده و علی (علیه السلام) و همراهان او را به آتش زدن خانه تهدید کرد و زان پس سخنان تندی میان طرفین رد و بدل شد اما با فریاد تظلم خواهی فاطمه (علیه السلام) و پا در میانی ابوبکر غائله ختم گردید و آنان امام علی (علیه السلام) را به حال خود واگذاشتند و سیاست در انزوا قرار دادن او را در پیش گرفتند.^۱

۱۰. حضرت فاطمه (سلام الله علیها) در برابر سقیفه.

حضرت فاطمه (سلام الله علیها) نخستین فردی بود که از امام علی (علیه السلام) دفاع کرد و معتقد بود که امامت اهل بیت (علیه السلام) موجب اتحاد امت می شود از این رو در مدت کوتاه زندگی خویش پس از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به تبیین اصول فکری، اعتقادی، سیاسی، اجتماعی امامت پرداخت، تا مسلمانان را گرد محور اهل بیت (علیه السلام) جمع کند حضرت تاکید داشت حاکمیت، حق کسانی است که دین حقانیت آنان را تاکید کرده است.

فاطمه (سلام الله علیها) با نامید شدن از جمع کردن مسلمانان برگرد اهل بیت (علیه السلام) موضع آشکاری در برابر سقیفه اتخاذ کرد. مخالفان ابوبکر در خانه او جمع شدند و او از انصار کمک خواست و چون از این اقدامات نتیجه ای نگرفت، از آنان اعلام نارضایتی کرد و در حالی که از آنان دل شکسته و ناراحت بود، وصیت کرد تا شبانه و مخفیانه او را دفن کنند.^۲

حضرت علی (علیه السلام) پی از شهادت همسر وفادارش فاطمه (سلام الله علیها) برای حفظ یک یکپارچگی و اتحاد مسلمین و پیشگیری از دو دستگی در بین امت پیامبر و مهم تر از همه برای بقای اسلام، با ابوبکر بیعت کرد، هرچند هیچ گاه از نظر خود مبنی بر اولویت و شایستگی اش نسبت به دیگران برنگشت و هرگز مصائب و مشکلاتی را که

^۱ - تشیع در تاریخ، سیداحمد رضا خضری، ص ۵۲-۵۱ و همچنین در کتاب عصر شیعه، علی کورانی عاملی، مترجم: سید امید موذنی، قم، دلیل ما ۱۳۹۲، ص ۳۸-۳۷ و همچنین در کتاب تاریخ و سیره سیاسی امیر مومنان علی بن ابیطالب علیه السلام، قم، دلیل ما ۱۳۹۱، ص ۱۶ و ۱۵ به این موضوع اشاره شده است.

^۲ - تاریخ تشیع، گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ص ۳۲ و همچنین در کتب تاریخ تشیع ۱، نوشته جمعی از مولفان زیر نظر دکتر احمد رضا خضری، ص ۸۱ به این موضوع اشاره شده است.

حاکمیت برای او و همسر گرامی اش پدید آورده بود فراموش نکرد^۱. الکامل فی تاریخ به نقل از ازهری:علیو بنی هاشم و زبیر، شش ماه پایداری نمودند و با ابوبکر بیعت نکردند تا آن که فاطمه که خداوند از او خشنود باد درگذشت. آنگاه با او بیعت کردند.^۲

۱۲. انگیزه های بیعت امام (علیه السلام) پس از خودداری

۱۲،۱ بیم اختلاف

امام (علیه السلام) در خطبه اش پیش از جنگ جمل فرمود: چون پیامبر (صلی الله علیه و آله) قبض روح شد ما، خانواده و خاندان وارثان و خویشان اوسزوارترین مردم به او بودیم و با ما در این امر، کشمکش نمیشد. پس حکومت پیامبرمان را از ما گرفتند و به دیگران سپردند و به خدا سوگند اگر از اختلاف مسلمانان و بازگشتشان به کفر هراسی نبود تا سرحد توان مان، آنرا دگرگون می ساختیم^۳.

۱۲،۲ بیم ارتداد

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: چون مردم کردند آنچه در بیعت با ابوبکر کردند، هیچ چیز از ما فراخوانی امیر مومنان به سوی خود مانع نشد، مگر توجه به مردم و بیم آنکه از اسلام باز گردند و به پرستش بت ها روی آوردند و به یگانگی خداوند و رسالت خدایی محمد (صلی الله علیه و آله) گواهی ندهند. پس از سر ناچاری و بی یآوری بیعت کرد.^۴

۱۲،۳ بی یآوری بودن

الکافی به نقل از سریر، نزد ابوجعفر امام باقر (علیه السلام) بودیم و آنچه را مردم پس از پیامبرشان کردند و امیر مومنان را خوار داشتند، یاد نمودند. پس، مردمی از آن میان گفت: خدا تو را به سلامت دارد. پس عزت و شوکت بنی هاشم و افراد آنها چه شد؟ امام باقر (علیه السلام) فرمودند: چه کسی از بنی هاشم باقی مانده بود؟ جعفر و حمزه که

^۱ - تشیع در تاریخ، سیداحمد رضا خضری، ص ۵۲

^۲ - گزیده ی دانش نامه ی امیرالمومنین (علیه السلام)، محمد محمدی ری شهری، ص ۱۸۱ و همچنین در کتاب ماجرای بیعت، سید علیرضا حسینی، قم، دلیل ما ۱۳۸۹ ص ۴۸ به این موضوع اشاره شده است.

^۳ - گزیده ی دانش نامه ی امیرالمومنین (علیه السلام)، محمد محمدی ری شهری، ص ۱۸۱ و همچنین در کتاب ماجرای بیعت، سید علیرضا حسینی، قم، دلیل ما ۱۳۸۹ ص ۴۸ به این موضوع اشاره شده است.

^۴ - همان

نبودند و با علی (علیه السلام) تنها دو مرد ناتوان و خوار تازه مسلمان (عباس و عقیل) بودند که از آزاد شدگان (فتح مکه) بودند هان به خدا سوگند اگر حمزه و جعفر حاضر بودند و کار آن دو (عمر و ابوبکر) به آنجا نمی رسید. اگر شاهد ماجرا بودند و خود را فدا می کردند.^۱

۱۲،۴. اجبار

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: به خدا سوگند علی (علیه السلام) بیعت نکرد تا آنکه دید دود داخل خانه اش شد.^۲

۱۳. نتیجه گیری

بررسی دوران حیات پیامبر از بعثت تا رحلت و تحلیل وقایع و اتفاقات دوره ی بیست و سه ساله رسالت علل فراموشی غدیر را به خوبی نشان می دهد. اگر غدیر فراموش نمی شد و اگر بعد از رحلت پیامبر حقانیت حضرت علی (علیه السلام) توسط مسلمانان و صحابه اثبات می شد دیگر ما شاهد اختلافات بین اهل تشیع و اهل سنت و جنگ هایی مانند صفین و عاشورا و..... نبودیم و در واقعه سقیفه خاندان پیامبر در اقلیت و مظلومیت قرار نمی گرفت. اگر غدیر و سفارشات پیامبر (صلی الله علیه و آله) در نورد جانشینی حضرت علی (علیه السلام) فراموش نمی شد عاشورا اتفاق نمی افتاد و این همه مصائب و مشکلات برای ائمه اطهار (علیه السلام) به وجود نمی آمد.

منابع و مأخذ

۱. قرآن

۲. بهاء الدین. صدر. احمد. فانی، کامران، دایره المعارف تشیع، تهران، حکمت، چاپ دوم، ج ۹، ۱۳۹۱
۳. جعفریان، رسول، تاریخ و سیره سیاسی امیرالمؤمنان علی بن ابی طالب (علیه السلام) قم: دلیل ما ۱۳۹۱
۴. حسین تقوی، سید ابرار. بررسی تطبیقی منابع تاریخی شیعی و سنی درباره تامل حضرت علی (علیه السلام) با خلفا، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (صلی الله علیه و آله). ۱۳۹۳
۵. حسینی، علیرضا، ماجرای بیعت، قم، دلیل ما، ۱۳۸۹
۶. حیدری، محمدعلی، سقیفه و عوانل پیدایش آن، قم: سنابل ۱۳۹۴
۷. خضری، احمد رضا. تشیع در تاریخ. قم: دفتر نشر معارف. ۱۳۹۱

^۱- همان

^۲- همان

۸. خضری، احمد رضا و جمعی از مولفان (محمود حیدری آقایی، قاسم خانجانی، حسین فلاح زاده رمضان محمدی، تاریخ تشیع ۱، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها ۱۳۸۵
۹. رضوانی، علی اصغر، آهی سوزان از امیر المومنان (علیه السلام)، قم، دلیل ما، ۱۳۸۹
۱۰. سبحانی، جعفر، شقیفه، زمینه ها، معیارها و پیامدها. قم: توحید ۱۳۹۲
۱۱. شهیدی، جعفر، علی از زبان علی یا زندگانی امیرمومنان علی (علیه السلام). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۹۲
۱۲. شریف قریشی، باقر، زندگانی امام حسین (علیه السلام) مترجم: سعید حسین محفوظی، قم: بنیاد معارف اسلامی، ج ۱، ۱۴۲۲
۱۳. کورانی عاملی، علی، عصر شیعه. مترجم: سید امید موذنی. قم: دلیل ما ۱۳۹۲
۱۴. مشکور، محمد جواد. تاریخ شیعه و فرقه های اسلام. تهران: اشراقی، ۱۳۶۸
۱۵. محمدی ری شهری، محمد، گزیده ی دانش نامه امیرالمومنین (علیه السلام). قم: دارالحدیث، ۱۳۸۷
۱۶. مولفان پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. تاریخ تشیع. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران، ۱۳۸۹

